

مطالعه علمی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران^۱

(مورد مطالعه: دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز)

علیرضا خدای^۲، سعید عطوفت شعار^۳، علی شجاعی فر^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

چکیده:

هدف پژوهش حاضر مطالعه علمی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز به مشارکت سیاسی می‌باشد. روش پژوهش، پیمایش است. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز می‌باشند که ۳۰۲ نفر به‌عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده‌اند. ابزار تحقیق، پرسشنامه است که برای تعیین اعتبار آن از روش اعتبار صوری که به کارشناسان مورد نظر که اساتید بخش جامعه‌شناسی می‌باشند عرضه شد که نظر آنان مبتنی بر تأیید اعتبار پرسشنامه‌ها بوده است. برای تعیین پایایی، از شیوه هماهنگ درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج توصیفی پژوهش بیانگر آن هستند که میانگین نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی در سطح پایینی می‌باشد. یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد رابطه مشارکت سیاسی دانشجویان با آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان، آگاهی سیاسی والدین و وابستگی حزبی مثبت، قوی و معنادار می‌باشد. در بین متغیرهای جمعیتی رابطه جنسیت، تأهل و رشته تحصیلی با مشارکت سیاسی معنادار، مثبت و قوی است. تبیین مشارکت سیاسی در حالت کلی، بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که متغیرهای آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان (۰/۴۵۹)، وابستگی حزبی (۰/۲۸۳)، تأهل (۰/۱۳۷)، سن (۰/۱۲۷)، آگاهی سیاسی والدین (۰/۱۲۶) به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌های مشارکت سیاسی هستند و قادرند ۵۹ درصد از تغییرات واریانس مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نمایند.

واژگان اصلی:

آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان، آگاهی سیاسی والدین، وابستگی حزبی، مشارکت سیاسی، شهر شیراز.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر شیراز» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم باشد.

^۲ دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، فارس، ایران. (نویسنده مسئول)
alirezakhoddamy@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، فارس، ایران.

^۴ دکترای تخصصی کارآفرینی، هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز تهران، تهران، ایران.

مقدمه و طرح مسئله

شناخت حقوق اجتماعی افراد و موضوع مشارکت سیاسی^۱ و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ ملت‌ها دارد و امروز این مفهوم اهمیت دوچندانی پیدا کرده است و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران بوده است؛ به‌گونه‌ای که به نظر برخی از صاحب‌نظران محور اصلی توسعه بر پایه مشارکت سیاسی استوار است. در این ارتباط لوسین پای توسعه را منوط به گذار موفقیت‌آمیز از شش بحران می‌داند که یکی از آن‌ها بحران مشارکت است (پای، ۱۳۸۰: ۱۰۵). بنا به تعریفی، مشارکت سیاسی سعی و تلاش شهروندان به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی^۲ یک جامعه (هاتینگتون و نیلسون، ۱۹۷۶: ۱۴۰). نامیده می‌شود. مشارکت را نوعی کنش هدفمند دانسته‌اند که در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او، برای رسیدن به اهداف معین و از پیش تعیین شده نمود پیدا می‌کند. در نگاهی دیگر، مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم کردن فرصت برای رده‌های پایین جمعیتی برای بهبود شرایط زندگی آن‌ها عنوان کرده‌اند. وقتی مشارکت فراگرد نیرومندسازی در نظر گرفته می‌شود، مبتنی بر سه ارزش "سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه خواهد بود" (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۰). مشارکت سیاسی از مهم‌ترین مفاهیم جامعه مدنی در مقابل جامعه سیاسی است که کارگزار را تا حدی به میزان ارزش و تأثیر عمل خود امیدوار می‌کند. عموماً در نظام‌های اقتدارگرا با مشارکت سیاسی غیرحقیقی روبرو هستیم؛ زیرا افراد تا حدی از تأثیر نداشتن کنش خویش آگاه‌اند و مشارکت اخیر به‌گونه‌ای جنبه ساختگی می‌یابد. در نظام‌های مردم‌سالار که در آن‌ها سازوکار نهادها و سازمان‌ها بر مشارکت افراد بنا شده است و احزاب حلقه میانی جامعه و دولت‌اند، میزان و نحوه مشارکت حقیقی است و افراد آگاهانه به کنش می‌پردازند؛ در واقع، مشارکت سیاسی هم حاصل توسعه سیاسی است و هم عامل آن و به‌طور معمول میزان تأثیرگذاری آن در برهه‌های بلندمدت سنجیده می‌شود. از آنجا که در ایران، مشارکت سیاسی شهروندان در انسجام و حفظ سیستم اجتماعی نقش مهمی دارد، چنانچه زمانی فرارسد که مردم

^۱Political participation

^۲Public policy

به سرنوشتشان بی تفاوت باشند و این احساس به آن‌ها دست بدهد که هیچ نقشی در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود ندارند، بی تفاوتی زنگ خطری است برای مسئولان جامعه که بین دستگاه حکومت و مردم شکافی عمیق وجود دارد.

مشارکت سیاسی مفهوم تازه‌تری نسبت به انواع مشارکت‌های دیگر است، دلیل این امر را می‌توان در پیشرفت جوامع در سال‌های اخیر و گذر از حکومت‌های دیکتاتوری و خودکامه به دولت‌های دموکراتیک و مردمی جستجو کرد و نظام سیاسی همواره بر ضرورت فعالیت سیاسی و مشارکت فعال و متعارف (مسالمت‌آمیز) در مباحث سیاسی تأکید دارد. از نظر میلبراث انواع مشارکت سیاسی را می‌توان از توجه به محرک‌های سیاسی مانند خواندن و گوش فرا دادن به اخبار سیاسی گرفته تا شرکت در مباحث سیاسی، رأی دادن، مبارزه انتخاباتی، اداره امور سیاسی حزبی در یک طیف قرار داد. هر چه جامعه به لحاظ اقتصادی و سیاسی پیشرفت و سطوح شناخت و به‌طور کلی فرهنگ تکامل و گستردگی بیشتری می‌یابد و مشارکت سیاسی مردم در فعالیت‌های سیاسی و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی بیشتر می‌گردد و هر چه افراد جامعه از سطوح شناخت و درک بالاتری برخوردار می‌شوند، مشارکت سیاسی آن‌ها گسترده و وسیع‌تر می‌شود (میلبراث، ۱۹۷۷).

به نظر می‌رسد در ایران نیز بسان بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل اینکه تجربه طولانی از دموکراسی ندارند و چند دهه پیش نیست که از نظام دیکتاتوری فاصله گرفته‌اند هنوز راه‌های زیادی وجود دارد تا بتوان مشارکت سیاسی را نهادینه کرد و طرح مسئله مشارکت سیاسی هر چند به کرات، شاید بتواند در دست یافتن به این مهم، کمک شایانی کند. مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رنگین‌کمانی از فرهنگ‌ها، اقوام و مذاهب مختلف، به‌عنوان یک مسئله پیچیده و مبهم مطرح است. مشارکت برخی از اقوام در دهه‌های اول و دوم انقلاب با کاهش محسوسی مواجه بود، ولی پس از پایان جنگ تحمیلی و به‌طور اخص از انتخابات هفتم ریاست جمهوری، شاهد افزایش محسوس، گسترده و معنی‌دار آن‌ها در فرآیند انتخابات بوده‌ایم. شواهد تجربی گویای آن است که مشارکت سیاسی در میان دانشجویان از شدت قابل توجهی برخوردار نیست و سطح مشارکت دانشجویان عمدتاً معطوف به سطوح پایین مشارکت سیاسی بوده و در سطوح بالاتر از تعداد مشارکت‌کنندگان کاسته می‌شود که این موضوع، مؤید مسئله‌دار شدن مشارکت سیاسی در میان

دانشجویان است که به‌نوعی نشانگر تکوین نوعی بیگانگی سیاسی- اجتماعی است. بر این مبنا، هدف اصلی مقاله حاضر، مطالعه علمی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز به مشارکت سیاسی می‌باشد.

ادبیات تجربی تحقیق

ایرانپور و همکاران (۱۴۰۲). در پژوهشی با عنوان " بررسی روابط ساختاری ویژگی‌های شخصیتی و مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش واسطه‌ای باورهای مذهبی " نشان دادند که: ویژگی‌های شخصیتی روان‌نژندی، برون‌گرایی، دلپذیر بودن و باوجدان بودن بر مشارکت سیاسی در دانشجویان تأثیر مستقیم معناداری دارند ($P < ۰/۰۵$)، اما ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری بر مشارکت سیاسی در دانشجویان تأثیر مستقیم معنی‌داری ندارد. همچنین باورهای مذهبی بر مشارکت سیاسی تأثیر مستقیم معناداری دارند ($P < ۰/۰۵$). ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، دلپذیر بودن، انعطاف‌پذیری و باوجدان بودن نیز بر باورهای مذهبی در دانشجویان تأثیر مستقیم معناداری دارند ($P < ۰/۰۵$)؛ اما ویژگی شخصیتی روان‌نژندی بر باورهای مذهبی در دانشجویان تأثیر مستقیم معناداری ندارد. همچنین باورهای مذهبی، رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، دلپذیر بودن، انعطاف‌پذیری و باوجدان بودن را با مشارکت سیاسی در دانشجویان به‌طور معناداری میانجی‌گری می‌کند ($P < ۰/۰۵$).

جلالی راد و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان سنجش مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان در بین شهروندان تهرانی انجام دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که: الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان را می‌توان در سه بعد، شش مؤلفه و ۴۳ شاخص مجزا مطرح و ارائه نمود. همچنین نتایج نشان داد که مشارکت شهروندان در الگوی مطروحه در بسیاری از شاخص‌ها زیاد بوده، ولی با پایگاه‌های اجتماعی مردمی رابطه معناداری دارد. همچنین نگرش شهروندان با پیش‌بینی مشارکت مردمی توسط نخبگان فکری در رتبه‌بندی شاخص‌ها با هم اختلاف معناداری را نشان داده است.

نجفی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان " بررسی مطالعه جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی- اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تبریز " به نتایج زیر دست یافتند: حق مشارکت سیاسی به این معناست که افراد جامعه حق دارند آزادانه و در چارچوب قوانین در تصمیم‌گیری برای امور کشور سهیم باشند. عوامل مختلفی بر مشارکت سیاسی اقشار و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تأثیر دارند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کنش و رفتار فرهنگی و اجتماعی در حد بسیار بالایی با میزان مشارکت سیاسی جوانان رابطه معنی‌داری دارد.

سردار نیا و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان "تأثیر رسانه‌های جدید با واسطه‌گری متغیرهای اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز" به نتایج زیر دست یافتند: دسترسی و ارتباط فعالانه با شبکه‌های اجتماعی در فضای سایبری، گروه دوستان، عضو شدن در انجمن‌های مدنی و داوطلبانه، رسانه‌های داخلی و در نهایت رسانه‌های خارجی (رادیو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای) بر تمایلات و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز در احزاب و تشکلهای سیاسی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته‌اند.

قادرزاده و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه کردستان» به نتایج زیر دست یافتند: مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان مورد بررسی از شدت قابل توجهی برخوردار نیست و پایین می‌باشد و درصد کمی در تشکلهای سیاسی عضویت داشته و دارای ارتباط نهادی بوده‌اند. بر مبنای نتایج تحلیل رگرسیون، چهار عامل مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی، هویت ملی، اعتماد تعمیم‌یافته و اثربخشی سیاسی قدرت تبیین تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را دارند و عوامل مذکور در مجموع ۲۶ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نموده‌اند.

چنگان و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش پیمایشی "به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی، علاقه سیاسی و مشارکت در بین دانشجویان دانشگاه در شهر چین" نشان داده‌اند که به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی در علائق سیاسی سهمیم بوده و به‌نوبه‌ی خود بر مشارکت مدنی و سیاسی اثر می‌گذارد. یافته‌ها مؤید آن است که دلیل اقتدارگرایی شبکه‌ای در چین، ارتباطات سیاسی به میانجی شبکه‌های اجتماعی در علائق مثبت نسبت به حکومت و جامعه تأثیر گذاشته و ارتباط با فعالین سیاسی از طریق شبکه با علائق سیاسی منفی مرتبط است.

ظاهر^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ی پیمایشی "استفاده از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه" به بررسی رابطه‌ی بین میزان به‌کارگیری فیس‌بوک و مشارکت سیاسی در میان ۴۱۶ نمونه از دانشجویان پاکستانی می‌پردازد. بر مبنای یافته‌ها، همبستگی مثبتی بین فعالیت سیاسی و مدت‌زمان

¹ Chen et al

² zaheer

استفاده از فیس‌بوک وجود دارد؛ به عبارت دیگر، دانشجویانی که زمان بیشتری از فیس‌بوک استفاده نموده‌اند، به مراتب بیشتر فیس‌بوک را برای اهداف سیاسی به کار گرفته‌اند. دانشجویانی که فیس‌بوک را به خاطر اهداف سیاسی به کار گرفته‌اند، مشارکت فعالانه‌ای در فعالیت‌های سیاسی آنلاین و آفلاین داشته‌اند و مشارکت سیاسی آنلاین، به احتمال زیادی مشارکت سیاسی آفلاین را شکل می‌بخشد. به علاوه، مشارکت سیاسی ارتباط معناداری با عوامل جمعیت شناختی نظیر جنسیت و سن دارد.

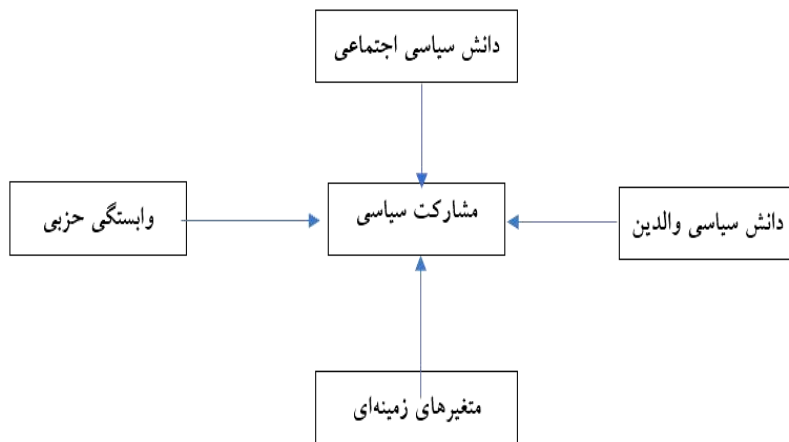
چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش، برای تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان چارچوب نظری تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی ارائه گردیده است. در گام نخست، از رویکرد نظری هانتینگتون، میلبراث و راش برای توصیف و سطح‌بندی مشارکت بهره گرفته شده است. بر این مبنای مشارکت سیاسی نوعی کنش ورزی ایجابی است که به قصد اثرگذاری بر سیاست و خط‌مشی‌های عمومی و نظام تدبیر صورت‌بندی می‌شود. این کنش ورزی قبل از هر چیز معطوف به ساختار قدرت و سیاست می‌باشد و ماهیت تأییدی (حمایتی) و اصلاحی دارد. مرور رویکردهای نظری گویای آن است که مشارکت سیاسی ماهیت چندوجهی، سیال و اقتضایی دارد و متأثر از عوامل عدیده‌ای در سطح خرد، میانی و کلان (برای مثال نهادمندی سیاسی و ساخت فرصت‌های سیاسی) است. بر مبنای مطالعات نظری و تجربی لیپست (۱۹۶۳)، مشارکت سیاسی (به‌ویژه مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی) تابع عواملی چون جنسیت، تحصیلات (به‌ویژه مدارج بالای تحصیلی)، محل سکونت (از وجه شهری یا روستایی)، رده سنی (۳۵ تا ۵۵)، وضعیت تأهل، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، عضویت سازمانی و نهادی است. عضویت سازمانی و نهادی در دستگاه نظری رابرت پاتنام نیز در قالب متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی) در مشارکت مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. هانتینگتون نیز در کنار متغیرهای ساختاری به عواملی چون آگاهی سیاسی در تکوین تقاضای مشارکت سیاسی در نزد قشرهای برآمده از نوسازی اقتصادی و آموزشی (نظیر دانشجویان) اشاره نموده است. میلبراث و گوئل نیز ضمن سطح‌بندی مشارکت سیاسی به نقش عواملی چون پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تحصیلات، جنسیت، شغل، قومیت، محل سکونت، عضویت در گروه‌ها و احساس اثربخشی و توان اثرگذاری بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و امید به آینده در میزان و سطح مشارکت سیاسی اشاره کرده

است (هانتینگتون، ۱۳۷۵). بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت و سن) و موقعیت اجتماعی (رشته و مقطع تحصیلی، اشتغال، هویت جمعی در سطوح قومی، دینی و ملی) دانشجویان، به تأسی از دیدگاه لیپست و میلبراث مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کم و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد (لیپست، ۱۳۷۳). متغیرهایی که مورد تأکید پاتنام، هانتینگتون و لیپست بوده است، احساس و پنداشت دانشجویان صرفاً ماهیت ذهنی نداشته و به‌نوعی در ارتباط با موقعیت اجتماعی و تجربه مشارکت اجتماعی و سیاسی در مقام عمل نیز می‌باشد. این مدل بر اساس نظریات مطرح‌شده در این حوزه طراحی شده است، ممکن است داده‌های تجربی حاصل از تحقیق آن را تأیید یا رد کند. در مکتب جامعه‌شناسی نظریه منابع که در آن ادعا می‌شود برخی منابع اجتماعی و اقتصادی - از جمله تحصیلات، شغل و درآمد- بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. دسترسی نابرابر افراد به این گونه منابع در شکل‌گیری سبک زندگی، شبکه‌های اجتماعی و انگیزه‌های افراد مؤثر است؛ بنابراین رفتار مشارکتی افراد را باید برحسب عضویت آنان در گروه‌های شغلی، تحصیلی و غیره توضیح داد.

مدل نظری تحقیق

همان‌طور که در بالا عنوان شد در بررسی‌های نظری که از مشارکت سیاسی به‌عمل آمده، بر جنبه‌های مختلفی تأکید شده است. از این‌رو نمی‌توان بر اساس یک نظریه به تحلیل دقیق مشارکت سیاسی پرداخت. باین‌حال با توجه به این‌که این تحقیق در پی مطالعه علمی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان است با استفاده از نظریه‌های لیپست، هانتینگتون، گوئل و میلبراث، اینگلهارت، پاتنام با تأکید بر نظریه جامعه‌پذیری سیاسی درصدد تبیین مشارکت سیاسی دانشجویان می‌باشیم. از این‌رو بر اساس نظریه‌های مطرح‌شده مدل زیر ارائه می‌گردد.



- به نظر می‌رسد آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان بر نگرش آنان به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد آگاهی سیاسی والدین بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد وابستگی حزبی بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد متغیرهای زمینه‌ای بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر دارند.

روش

در پژوهش حاضر از روش کمی و از پیمایش^۱ به عنوان یکی از روش‌های مرسوم در تحقیق‌های کمی استفاده شده است. در بخش پیمایش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. روند نهایی شدن پرسشنامه بدین صورت انجام خواهد گرفت که ابتدا در یک مطالعه‌ی مقدماتی، ۳۰ نفر از اعضای جامعه‌ی آماری پیش‌آزمون خواهند شد و مسائل تحقیق به‌ویژه در ارتباط با محتوای پرسشنامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت که منجر به برخی بازنگری‌ها در پرسشنامه، نظیر حذف برخی گویه‌ها و اصلاح نحوه‌ی طراحی برخی پرسش‌ها خواهد گردید. جامعه‌ی آماری در این تحقیق، تمام دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز می‌باشند. جمعیت دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی ساکن در شهر شیراز در سال جاری ۱۱۰۰ نفر می‌باشد که در دانشگاه‌های آزاد، پیام نور، دولتی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی مشغول به تحصیل هستند. لذا در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت آماری جوانان حجم نمونه در سطح ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵ درصد در نظر گرفته شده است؛ که با توجه به نتایج محاسبه، حجم نمونه ۲۸۰ نفر، می‌باشد، اما برای دستیابی به برآوردی دقیق‌تر، اندازه نمونه به ۳۰۲ نفر افزایش خواهد یافت. این پژوهش با روش نمونه‌گیری سیستماتیک صورت گرفته است. برای انتخاب نمونه‌ی سیستماتیک ابتدا باید با تقسیم حجم جمعیت بر حجم نمونه، نسبت نمونه‌گیری را به دست آوریم. سپس با پیدا کردن نقطه‌ی شروع بر اساس نسبت نمونه‌گیری به دست آمده، نمونه انتخاب می‌شود. در این پژوهش از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شده است. اعتبار پرسشنامه صوری می‌باشد، بدین شکل که پرسشنامه‌ی طراحی شده قبل از تکمیل، بر اساس نظر چند تن از اساتید صاحب‌نظر دانشگاه اصلاح شده و به منظور کسب پایایی نیز با

۱. Survey

انجام پیش‌آزمون و تکمیل آن در نمونه‌ای مقدماتی و با انجام آزمون آلفای کرونباخ به اصلاح نهایی گویه‌ها پرداخته شده است. برای تعیین پایایی ابزارهای اندازه‌گیری، بهترین روش استفاده از ضریب آلفای کرونباخ می‌باشد. این روش برای محاسبه‌ی هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری به‌ویژه پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفته است. در این تحقیق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر مقیاس در جدول (۱) آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود هرکدام از مقیاس‌ها و شاخص‌های مورد بررسی از همسانی درونی قابل قبولی برخوردارند.

جدول شماره (۱) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه

مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	۱۲	۰/۸۷۰
آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان	۹	۰/۹۱۳
آگاهی سیاسی والدین	۶	۰/۷۷۰
وابستگی حزبی	۸	۰/۸۴۰

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

- مشارکت سیاسی (متغیر وابسته): مشارکت^۱، به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است. بر این اساس مشارکت، شرکت فعالانه انسان ه در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌طور کلی تمامی ابعاد حیات است (سروش و حسینی، ۱۳۹۲: ۹۴). مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخابات رهبران و شرکت مستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی است (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۷۵). این متغیر از طریق ۱۲ گویه در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت سنجیده خواهد شد. برخی از گویه‌های مشارکت سیاسی عبارت‌اند از: آیا شما در راهپیمایی‌ها و تظاهرات سیاسی شرکت می‌کنید؟ تا چه حد در انتخابات سراسری شرکت می‌کنید؟ به چه میزان پیگیری اخبار و کسب اطلاعات سیاسی از طریق رسانه‌ها هستید؟ تا چه اندازه در اعتراض‌های جمعی دانشجویان در خصوص مسائل سیاسی شرکت

¹ Participation

می‌کنید؟ تا چه اندازه در کلاس یا خوابگاه یا محیط دانشگاه با سایر دانشجویان بحث سیاسی می‌کنید؟ آیا شما در انجمن اسلامی، بسیج و جامعه اسلامی دانشجویان عضویت و فعالیت دارید؟ آیا شما در تشکل‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی عضویت و فعالیت دارید؟ تا چه حد دیگران را به شرکت در انتخابات و همکاری با نهادهای سیاسی تشویق می‌کنید؟ آیا شما علاقه‌مند به سخنرانی یا مقاله‌نویسی در خصوص مسائل سیاسی هستید؟ آیا برای انتخاب شدن در انتخابات مرکزی تشکل‌های سیاسی دانشگاه نام‌نویسی می‌کنید؟ آیا برای انتخاب شدن در انتخابات مرکزی تشکل‌های سیاسی دانشگاه نام‌نویسی می‌کنید؟ تا چه اندازه در ستادهای انتخاباتی شرکت و فعالیت می‌کنید؟ تاکنون با سیاستمداران (رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس) ارتباط داشته‌اید؟

آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان: آگاهی سیاسی اجتماعی عبارت است از میزان اطلاعات پاسخگو از مسائل سیاسی اجتماعی است که برای سنجش آن سؤال‌هایی از مسائل روز مطرح می‌شود. آگاهی سیاسی اجتماعی را حساسیت نسبت به سیاست عمومی و حکومت و دستور کارهای سیاست‌مداران دانسته‌اند. منظور از آگاهی سیاسی اجتماعی شهروندان شناخت نسبت به مسائل و تحولات سیاسی اجتماعی است. این متغیر از طریق ۹ گویه، در قالب ۵ گزینه لیکرت سنجیده خواهد شد. گویه‌های آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان عبارت‌اند از: تا چه میزان با روند انتخابات ریاست جمهوری در کشورمان آشنا هستید؟ تا چه اندازه تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و واکنش غرب و آمریکا در مقابل آن را دنبال می‌کنید؟ تا چه حدی با ساختار و نحوه عملکرد مجلس شورای اسلامی آشنایی دارید؟ تا چه میزان از ارکان و نحوه انتخاب مسئولان قوه قضائیه آگاهی دارید؟ به چه میزان وقت خود را برای اطلاع از اخبار و وقایع اختصاص می‌دهید؟ به چه میزان به نوشتن و خواندن مقاله و مطالب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه علاقه‌مند هستید؟ به چه میزان در جمع دوستان و آشنایان از مباحث سیاسی روز (نظیر تحریم، برجام، داعش و خاورمیانه) صحبت می‌کنید؟ تا چه اندازه با روند انتخابات مجلس شورای اسلامی آشنایی دارید؟

وابستگی حزبی: حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم‌ویش سازمان‌یافته است که به‌عنوان واحد سیاسی عمل می‌نمایند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند. «مک‌آیور»، حزب سیاسی را گرد هم‌آیی سازمانی یافته برای

حمایت از برخی اصول یا سیاست‌هایی که از راه‌های قانونی می‌کوشند حکومت را به دست گیرند تعریف می‌کند (دووزه، ۱۳۵۴: ۳۱). این متغیر از طریق ۸ گویه در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت سنجیده خواهد شد. گویه‌های وابستگی حزبی عبارت‌اند از: به کاندیدایی رأی می‌دهم که از نظر سیاسی با من همفکر باشد، برای من مهم است که چه کسی و از کدام تفکر سیاسی در انتخابات نامزد شود، وجود تفکر سیاسی برای مشارکت سیاسی کارآمد می‌دانم، ترجیح می‌دهم آگاهی سیاسی‌ام را از طریق عضویت در یک جناح سیاسی افزایش دهم، عقیده دارم که هر شهروند باید عضو یک جناح یا تفکر سیاسی باشد، همیشه در جریان انتخابات از یک جناح سیاسی خاص حمایت می‌کنم، سعی می‌کنم برنامه‌های جناح سیاسی همفکرم را پیگیری کنم، برای هر شهروند باید مهم باشد که کدام جناح سیاسی، چه شخصیتی و با چه سابقه‌ای به‌عنوان کاندیدا معرفی کنند.

آگاهی سیاسی والدین: این متغیر از طریق ۶ گویه در قالب طیف ۵ گزینه لیکرت سنجیده خواهد شد. گویه‌های آگاهی سیاسی والدین عبارت‌اند از: بی‌اعتمادی خانواده به مسائل سیاسی باعث می‌شود که من به سیاست علاقه نداشته باشم، دل‌مشغولی‌های اقتصادی و رفاهی خانواده مانع فعالیت سیاسی من می‌شود، چون خانواده‌ام به حزب یا گروه سیاسی خاصی گرایش دارند من هم به همان گروه یا حزب، گرایش پیدا می‌کنم، به خاطر تشویق از سوی اعضای خانواده‌ام، در راهپیمایی‌ها و انتخابات شرکت می‌کنم، اعضای خانواده‌ام عقیده دارند بهتر است از کسب مسائل سیاسی دورباشم تا راحت‌تر زندگی کنم، چون خانواده‌ام پیگیر اخبار انتخابات و راهپیمایی‌ها هستند، من هم به پیگیری این مسائل علاقه‌مندم.

یافته‌ها

بر اساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی، از مجموع ۳۰۲ دانشجو میانگین سن پاسخگویان ۲۴/۱۶ سال، از مجموع کل پاسخگویان، ۸۸ نفر، معادل (۲۹/۱ درصد) مرد و ۲۱۴ نفر معادل (۷۰/۹ درصد) زن می‌باشند. ۶۶ نفر (۲۱/۹ درصد) از پاسخگویان فوق‌دیپلم، ۲۰۲ نفر معادل (۶۶/۹ درصد) لیسانس، ۲۶ نفر معادل (۸/۶ درصد) فوق‌لیسانس و ۸ نفر معادل (۲/۶ درصد) دانشجوی دکتری می‌باشند. ۱۸۸ نفر (۶۲/۳ درصد) از پاسخگویان در گروه علوم انسانی، ۶۰ نفر معادل (۱۹/۹ درصد) در گروه علوم مهندسی، ۳۴ نفر معادل (۱۱/۳ درصد) در گروه علوم پزشکی و پیراپزشکی و ۲۰ نفر معادل (۶/۶ درصد) در گروه هنر مشغول به تحصیل می‌باشند. ۲۵۶ نفر معادل، ۸۴/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و

۴۶ نفر یعنی ۱۵/۲ درصد از آن‌ها متأهل می‌باشند؛ اما بر اساس نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق، میانگین مشارکت سیاسی ۲۴/۴۵، وابستگی حزبی ۲۶/۰۷، آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان ۲۴/۴۹، آگاهی سیاسی والدین ۱۷/۱۵ می‌باشد.

تجزیه و تحلیل استنباطی

پژوهش حاضر به مطالعه علمی عوامل مؤثر بر نگرش سیاسی دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر شیراز و تأثیر سازه‌های: وابستگی حزبی، آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان، آگاهی سیاسی والدین و متغیرهای جمعیتی (جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، تأهل) بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان پرداخته است. در این قسمت، این روابط مورد بررسی قرار می‌گیرند که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول شماره (۲) ارتباط بین وابستگی حزبی، آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان، آگاهی سیاسی والدین با مشارکت سیاسی دانشجویان

نتیجه همبستگی	سطح معنی داری	t	f	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	میانگین	ن
وجود همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰	۱۰/۸۳۷	/۴۳۶ ۱۱۷	۰/۲۸۱	۰/۵۳۰	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۲۶/۰۷	وابستگی حزبی
وجود همبستگی مثبت و معنادار	۰/۰۰۰	۱۳/۹۱۸	/۷۲۳ ۱۹۳	۰/۳۹۲	۰/۶۲۵	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۲۴/۴۹	آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان
وجود	۰/۰۰۰	۷/۹۵۷	۶۳/۳۱۵	۰/۱۷۴	۰/۴۱۷	۲۴/۴۵	مشارکت

همبستگی مثبت و معنادار							سیاسی
						۱۷/۱۵	آگاهی سیاسی والدین
عدم وجود همبستگی معنادار	۰/۰۶۱	۱/۸۷۸	۳/۵۲۶	۰/۰۱۲	۰/۱۰۸	۲۴/۴۵	مشارکت سیاسی
						۲۴/۱۶	سن

نتایج جدول شماره ۲، نشان می‌دهد ضریب همبستگی پیرسون بین وابستگی حزبی و مشارکت سیاسی دانشجویان برابر با ۰/۵۳۰ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۰/۰۵ خطا است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وابستگی حزبی و مشارکت سیاسی وجود دارد؛ و فرض H_1 مورد تأیید و فرض H_0 رد می‌شود؛ بنابراین هر چه دانشجویان در گروه یا احزاب سیاسی عضویت داشته باشند تمایل آن‌ها به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی بیشتر می‌شود.

همچنین نتایج جدول شماره ۲، نشان می‌دهد ضریب همبستگی پیرسون بین آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی برابر با ۰/۶۲۵ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از پنج درصد خطا است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد؛ بنابراین هر چه آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان بیشتر باشد تمایل آن‌ها به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی افزایش می‌یابد و برعکس هر چه آگاهی سیاسی اجتماعی آن‌ها پایین تر باشد، میزان مشارکت سیاسی آن‌ها کاهش خواهد یافت. رابطه و همبستگی مثبت و مستقیم بین دو متغیر آگاهی سیاسی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان قابل مشاهده است که با احتمال ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. نتایج جدول نشان می‌دهد ضریب همبستگی پیرسون بین آگاهی سیاسی والدین و مشارکت سیاسی دانشجویان برابر با ۰/۴۱۷ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۰/۰۵ خطا است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر دانش سیاسی والدین و مشارکت سیاسی وجود دارد؛ و فرض H_1 مورد تأیید و فرض H_0 رد می‌شود. از این رو هر چه والدین دانشجویان آگاهی سیاسی بالاتری داشته باشند در میزان مشارکت سیاسی دانشجویان مؤثر است و

برعکس پایین بودن آگاهی سیاسی والدین مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های سیاسی را کم می‌کند؛ اما سن نمی‌تواند تغییرات مشارکت سیاسی را پیش‌بینی نماید. مقدار t محاسبه شده نشان می‌دهد رگرسیون معنی دار نیست و مقدار t بیانگر آن است که ضریب رگرسیون معنی دار نمی‌باشد

جدول شماره (۳) بررسی ارتباط بین جنسیت و وضع تأهل با مشارکت سیاسی

جنسیت	تعداد	میانگین مشارکت سیاسی	انحراف معیار	مقدار t	df	سطح معناداری
دختر	۲۱۴	۲۲/۳۷	۶۷۹	۷/۱۶۶	۳	۰/۰۰۰
	۸۸	۲۹/۵۲	۱۰/۰۴			
متأهل	۴۶	۳۲/۶۵	۱۰/۳۳	-۷/۷۶۰	۳	۰/۰۰۲
	۲۵۶	۲۲/۹۸	۷/۲۳			

بر اساس نتایج جدول شماره (۳) پسران و دختران به لحاظ میانگین مشارکت سیاسی تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان با یکدیگر دارند. همچنین میانگین نمرات پسران با میانگین مشارکت سیاسی (۲۹/۵۲ درصد) بیشتر از میانگین دختران با میانگین مشارکت سیاسی (۲۲/۳۷ درصد) می‌باشد که نشان می‌دهد پسران، مشارکت سیاسی بالاتری دارند. البته مشارکت سیاسی پسران معمولاً بیشتر از دختران است و این‌که پسران در فعالیت‌های سیاسی نقش پررنگ‌تری دارند. همچنین دانشجویان متأهل و مجرد به لحاظ مشارکت سیاسی وضعیت مشابهی ندارند. بررسی ارتباط بین تأهل و مشارکت سیاسی نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین مجردین و متأهلین وجود دارد.

جدول شماره (۴) بررسی ارتباط بین رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی با مشارکت سیاسی

مقطع تحصیلی	تعداد	میانگین مشارکت سیاسی	انحراف معیار	مقدار f	df	Sig
فوق دیپلم	۶۶	۲۳/۲۷	۷/۶۷	۱/۷۶۵	۳	۰/۱۵۴
لیسانس	۲۰۲	۲۵/۱۴	۹/۱۴			
فوق لیسانس	۲۶	۲۱/۶۱	۵/۰۵			
دکتری	۸	۲۲/۲۵	۴/۶۸			
کل	۳۰۲	۲۴/۴۵	۸/۵۱			
رشته تحصیلی	تعداد <th>میانگین مشارکت سیاسی</th> <th>انحراف معیار</th> <td rowspan="6">۱۰/۲۲۸</td> <td rowspan="6">۳</td> <td rowspan="6">۰/۰۰۰</td>	میانگین مشارکت سیاسی	انحراف معیار	۱۰/۲۲۸	۳	۰/۰۰۰
علوم انسانی	۱۸۸	۲۴/۳۱	۷/۷۹			
علوم ریاضی و مهندسی	۵۰	۲۷/۹۸	۱۰/۹۷			
علوم تجربی، پزشکی و پیراپزشکی	۳۴	۲۳/۷۰	۶/۰۷			
هنر	۲۰	۱۶/۵۰	۱/۹۰			
کل	۳۰۲	۲۴/۴۵	۸/۵۱			

بر اساس نتایج جدول شماره (۴)، مقطع تحصیلی تأثیری بر مشارکت و عدم مشارکت سیاسی دانشجویان ندارد؛ اما بالاترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به دانشجویان مقطع لیسانس (۲۵/۱۴ درصد) و پایین ترین میانگین مربوط به دانشجویان مقطع فوق لیسانس (۲۱/۶۱ درصد) می باشد؛ اما رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. به طوری که بالاترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به دانشجویان رشته علوم ریاضی و مهندسی (۲۷/۹۸ درصد)، در مرتبه دوم دانشجویان علوم انسانی (۲۴/۳۱ درصد)، مرتبه سوم علوم تجربی و پزشکی (۲۳/۷۰ درصد) و پایین ترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به دانشجویان گروه هنر (۱۶/۵۰ درصد) می باشد.

تبیین مشارکت سیاسی برحسب مجموع متغیرهای مستقل

در این تحقیق از روش رگرسیونی چند متغیره به شیوه هم‌زمان یا توأم استفاده شده است. مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر $0/693$ بوده که نشان‌دهنده رابطه قوی بین متغیرهای مستقل و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان است. مقدار ضریب تعیین برابر $0/596$ بوده و بیانگر این حقیقت است که ۵۹ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان به این متغیرهای مستقل مربوط است.

جدول شماره (۵) خلاصه نتایج رگرسیون چند متغیره میزان مشارکت سیاسی دانشجویان

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	انحراف معیار
<i>Multiple Correlation Coefficient</i>	R^2	<i>Standard Deviation</i>
$0/693$	$0/596$	$0/410$
sig: $0/000$	F: $054/118$	

تجزیه واریانس نیز معنادار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری آن را تأیید می‌کند. آنالیز واریانس نشان می‌دهد مقدار F برابر با $054/118$ بوده و با سطح معناداری $0/000$ می‌توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد اطمینان بین متغیرهای مستقل و وابسته مشارکت سیاسی دانشجویان اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۶) ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی دانشجویان

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۸۷۴۵	$3/406$	-	-۲/۵۶۸	$0/011$
آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان	$0/500$	$0/047$	$0/459$	$10/608$	$0/000$
آگاهی سیاسی والدین	$0/266$	$0/098$	$0/126$	$2/707$	$0/007$
وابستگی حزبی	$0/517$	$0/081$	$0/283$	63367	$0/000$

جنسیت	-۱/۰۸۰	۰/۸۴۱	۰/۰۵۸	-۱/۲۸۴	۰/۲۰۰
رشته (گروه) تحصیلی	-/۸۰۶	۰/۳۴۳	-/۰۸۸	-۲/۳۴۹	۰/۰۱۹
تأهل	۳/۲۳۰	۱/۰۳۸	۰/۱۳۷	۳/۱۱۳	۰/۰۰۲
مقطع تحصیلی	-/۹۶۹	۰/۵۲۷	-/۰۷۳	-۱/۸۳۸	۰/۰۶۷
سن	۰/۱۷۴	۰/۰۵۵	۰/۱۲۷	۳/۱۵۸	۰/۰۰۲

مقادیر ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان و وابستگی حزبی در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار هستند. متغیرهای دیگر آگاهی سیاسی والدین، رشته تحصیلی، تأهل و سن در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. با توجه به مقادیر بتا (مقادیر ضرایب رگرسیونی استاندارد شده) متغیرهای آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان (۰/۴۵۹) و وابستگی حزبی (۰/۲۸۳)، تأهل (۰/۱۳۷)، سن (۰/۱۲۷)، آگاهی سیاسی والدین (۰/۱۲۶) به ترتیب سهم بیشتری در پیش‌بینی متغیر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش گردید مشارکت سیاسی در بین دانشجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز شناسایی و ارتباط آن با آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان، آگاهی سیاسی والدین، وابستگی حزبی، سن، تأهل، جنسیت، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی مورد بررسی قرار گیرد. در این مطالعه در چارچوب نظری تحقیق، در گام نخست، از رویکرد نظری هانتینگتون، میلبراث و راش برای توصیف و سطح‌بندی مشارکت بهره گرفته شده است. با توجه به این‌که این تحقیق در پی تحلیل جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی است با استفاده از نظریه‌های لیپست، هانتینگتون، گوئل و میلبراث، اینگلهارت، پاتنام و با تأکید بر نظریه جامعه‌پذیری سیاسی درصدد تبیین مشارکت سیاسی دانشجویان بوده‌ایم.

- میانگین مشارکت سیاسی دانشجویان در سطح پایینی است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش سبکتگین ریزی (۱۳۹۵) که نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان کرج در سطح متوسط به پایین قرار دارد، قادرزاده (۱۳۹۷) که نشان می‌دهد مشارکت سیاسی نزد دانشجویان به‌عنوان یکی از گروه‌های اثرگذار در پویای سیاسی و اجتماعی شدت چندانی ندارد و کم‌تر از حد متوسط

است، پالیزبان (۱۳۸۷) که نشان می‌دهد میزان تمایل دانشجویان به مشارکت سیاسی کم است، انطباق دارد و آن را تایید می‌کند؛ اما با نتایج تحقیق قانلی (۱۳۹۸) که معتقد است: نتایج بررسی وضعیت کلی مشارکت سیاسی شهروندان لامردی نشان می‌دهد میانگین محاسبه شده با مقدار $3/131$ بالاتر از حد متوسط می‌باشد و امینی (۱۳۹۹) که یافته‌های پژوهش آن حاکی از آن است که سطح مشارکت مردم ایلام در سطح بالا است، انطباق ندارد. آگاهی سیاسی اجتماعی، بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان، مشارکت سیاسی آنان افزایش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش پالیزبان (۱۳۸۷) که معتقد است رابطه مثبت بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با آگاهی سیاسی تأیید شده است، قانلی (۱۳۹۸)، امینی (۱۳۹۹)، انطباق دارد و آن‌ها را تایید می‌کند. در چارچوب نظری تحقیق هانتینگتون نیز در کنار متغیرهای ساختاری به عواملی چون آگاهی سیاسی در تکوین تقاضای مشارکت سیاسی در نزد قشرهای برآمده از نوسازی اقتصادی و آموزشی (نظیر دانشجویان) اشاره نموده است. آگاهی سیاسی والدین، بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛ به عبارت دیگر هر چه دانش سیاسی والدین دانشجویان بیشتر باشد مشارکت سیاسی آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷)، پژوهش قنواتی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد و آن‌ها را تایید می‌کند. وابستگی حزبی، بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛ به عبارت دیگر هر چه دانشجویان در گروه‌ها، احزاب و جناح‌های سیاسی عضویت بیشتری داشته باشند مشارکت سیاسی آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷)، پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۹)، نتایج پژوهش کلدی و همکاران (۱۳۹۶) که معتقدند عضویت شهروندان در احزاب، انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر دارد، انطباق دارد و آن‌ها را تایید می‌کند. در چارچوب نظری تحقیق عضویت سازمانی و نهادی در دستگاه نظری رابرت پاتنام نیز در قالب متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی) در مشارکت مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. سن بر نگرش دانشجویان به مشارکت سیاسی تأثیر نمی‌گذارد و طی آن با افزایش سن، نمرات مشارکت سیاسی بیشتر نمی‌شود. این یافته تحقیق با پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷)، قنواتی و همکاران (۱۳۹۱)، منطبق است و آن را تایید می‌کند. بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت و سن) دانشجویان، به

تأسی از دیدگاه لیست و میلبراث مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کم و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد. جنسیت بر مشارکت سیاسی دانشجویان اثر دارد؛ به عبارت دیگر مشارکت سیاسی در بین دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷) همسو است و آن را تایید می‌کند. این یافته تحقیق با چارچوب نظری تحقیق همسو می‌باشد. بر مبنای مطالعات نظری و تجربی لیپست (۱۹۶۳)، مشارکت سیاسی (به‌ویژه مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی) تابع عواملی چون جنسیت می‌باشد. میلبراث و گوئل نیز ضمن سطح‌بندی مشارکت سیاسی به نقش عواملی چون جنسیت بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و امید به آینده در میزان و سطح مشارکت سیاسی اشاره کرده است. وضع تأهل بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی در بین دانشجویان متأهل بیشتر از دانشجویان مجرد است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۷) قنواتی و همکاران (۱۳۹۱) منطبق است و آن‌ها را تایید می‌کند. بر مبنای مطالعات نظری و تجربی لیپست (۱۹۶۳)، مشارکت سیاسی (به‌ویژه مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی) تابع عواملی چون وضعیت تأهل می‌باشد که بنابراین همسو با چارچوب نظری تحقیق است. رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش زاهد غفاری (۱۳۸۹) فیروزجائیان (۱۳۸۷) قنواتی و همکاران (۱۳۹۱) قادرزاده (۱۳۹۷)، منطبق است و آن‌ها را تایید می‌کند. مقطع تحصیلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیری ندارد بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که رشته و مقطع تحصیلی دانشجویان، به تأسی از دیدگاه لیست و میلبراث مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کم و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد. تبیین مشارکت سیاسی در حالت کلی، برحسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که متغیرهای آگاهی سیاسی اجتماعی دانشجویان (۰/۴۵۹) وابستگی حزبی (۰/۲۸۳)، تأهل (۰/۱۳۷)، سن (۰/۱۲۷)، آگاهی سیاسی والدین (۰/۱۲۶) به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌های مشارکت سیاسی هستند و قادرند ۵۹ درصد از تغییرات واریانس مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نمایند

پیشنهادها

تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) مختلف می‌تواند در عضویت دانشجویان در

تشکل‌ها و گروه‌های مدنی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و هم‌نگرش مثبت و منفی نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر بگذارد، از این‌رو اگر دانشجویان احساس کنند شرکت آن‌ها نقش و تأثیری در سرنوشتشان ندارد و صرفاً تشریفاتی است، نگرش منفی به مشارکت سیاسی پیدا می‌کند. هر چه افراد در موقعیت‌هایی قرار گیرند که در آن مباحث و موضوعات سیاسی بیشتری مطرح شود طبعاً آن‌ها هم تحت تأثیر آن بیشتر به سمت کنش سیاسی کشیده می‌شوند.

فهرست منابع

- سروش، مریم، حسینی، مریم (۱۳۹۲). «نوجوانان، جوانان و مشارکت سیاسی؛ بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی جوانان و نوجوانان شیراز»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دهم، شماره دوم، صص ۹۳-۱۲۵. مشهد.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، دانشگاه تهران.
- امینی، سلام؛ کواکبیان، مصطفی و طهمورث شیری (۱۳۹۹). «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم استان ایلام»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۵۵-۱۳۲، تهران.
- ایرانپور، عادل؛ آرینپور، حمیدرضا؛ فتاحی اردکانی، حسین (۱۴۰۲). «بررسی روابط ساختاری ویژگی‌های شخصیتی و مشارکت سیاسی دانشجویان با نقش واسطه‌ای باورهای مذهبی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، صفحات ۲۵-۵۳، تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پالیزبان، محسن (۱۳۹۰). «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن»، سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲: ۴۹-۳۳، تهران.
- جلالی راد، محمدصادق؛ متقی، ابراهیم؛ سپهرنیا، روزیتا (۱۴۰۰). «سنجش مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان؛ در بین شهروندان تهرانی»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۵۷.
- سبکتگین ریزی، قربانعلی؛ روهنده، مجید؛ بساطیان، سید محمد و جعفری، احمد (۱۳۹۵).

«رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی، مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره سوم، صص ۹۷-۱۱۶، اصفهان.

سردارنیا، خلیل‌الله، قدرتی، حسین، اسلام، علیرضا (۱۳۸۹). «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی شهرستان مشهد و سبزوار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱ زمستان، تهران.

غفاری، زاهد؛ بیگی نیا، عبدالرضا و اکرم تصمیم قطعی (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، دانش سیاسی، شماره دوم، صص: ۲۰۷-۲۴۰
فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران»، دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال پنجم، شماره ۱، ص ۸۳، تهران.

قادرزاده، امید؛ شریفی، فاطمه و الناز حسن خانی (۱۳۹۷). «مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، دوره هفتم شماره ۴، صص ۱۲۹-۹۳، تهران.

قائدی، محمدرضا (۱۳۹۸). «ارزیابی مشارکت سیاسی و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در جوامع شهری (مطالعه موردی: شهر لامرد استان فارس)»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره ۳۶، صص ۱۱۸-۱۰۷، تهران.

کلدی، علیرضا؛ زمانی، محمود (۱۳۹۸). «مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی در ایران (مطالعه موردی: شهروندان شهر ابهر)»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۳، صص: ۷۸۱-۷۶۵.

لیست، مارتین؛ و دوز رابرت (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران، توس. موریس دوورژه (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم: ابوالفضل قاضی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

نجفی، هوشنگ؛ قدیمی، بهرام؛ شیری، طهمورث، متقی، ابراهیم (۱۴۰۲). «بررسی مطالعه جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تبریز»، مطالعات

توسعه اجتماعی، شماره ۲، صفحه ۷-۱۹، تهران.

نیک پور قنواتی، لیلا؛ معینی، مهدی و احمدی، حبیب (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسان زنان، سال سوم، شماره اول، صص ۶۲-۳۹.

هانتینگتون. ساموئل (۱۳۷۵). موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران، انتشارات روزنه.

Gan,Ch; Lee,F.L.F;Li,Y. (2017). Social Media Use, Political Affect, and Participation Among University Students in Urban China,Telematics and Informatics, 34(7): 936-947.

Huntington, S.P and J. Nelson (1976): No easy Choice: Political Participation in Developing Countries, Cambridge: Harvard University Press.

Lipset, S.M (1963): Political man: The social Bases of Politics, New York: University Press.

Milbrath, Laster (1977). Political Participation, Hand Book of Political Behavior, vol. 4 (ed.) S.Long, New York: Plenum press

Zaheer,L.(2016). Use of Social Media and Political Participation amon University Students, Pakistan Vision,17(1): 278-299.